

## باز خوانی اشعار صحن و سرای حرم رضوی (۳)

علی باقریان

اگر همراه با من از ورودی شیخ طوسی وارد حرم شوید و مسیر مستقیم صحن انقلاب را پیش بگیرید، بعد از طی حدود پنجاه متر در بست علیا یا بالاخیابان یا همان شیخ طوسی، ترسیده به پله‌های ورودی رواق دارالحجه، در سمت راست خودتان یک دروازه دولته و همچنین دو در دولته در دو سوی آن خواهید دید که رو به سوی صحن نسبتاً جوان جمهوری باز می‌شوند. حتماً بارها آن‌ها را دیده‌اید و به‌طریق تیرک لمس کرده‌اید و بوسیده‌اید، اما تابه‌حال شده است که ولو یک بار در ظاهر این درهای چوبی دقیق شوید و نقش ونگارهایشان را بخوانید؟ روی این درها، روی هر دو لتشان، عبارات و ابیاتی به‌شیوه معرق (چیدن قطعه‌های کوچک) چوب درج است که نایست نادیده‌شان گرفت.

در آغاز، باید دقت کنید که ابیات نقش بسته بر در اول، همه، بخشی از یک شعر بلندند که بخش دیگری از آن را هم روی در سوم می‌توانید بخوانید. در مجموع، ۴۰ بیت شعر روی این دو در متقارن آمده است، روی هر لتی ۱۰ بیت. (به‌وقتش خواهیم گفت که این شعر بیشتر از ۴۰ بیت دارد.) بیت آغازین یا همان مطلع شعر را روی در اول، لت راست، سمت راست، گوشه پایین پیدا می‌کنید. برای خواندن بیت‌های بعدی، از آنجا بروید بالا، بعد چپ، بعد پایین، بعد راست. در برابر لت‌های دیگر هم همین شیوه را پیش بگیرید.

اما شعر. آنچه می‌خوانید، چنان که حین مرور ابیات لت چهارم خواهید دانست، سروده فخرالدین اوحد مستوفی سبزواری است، عالم و دانشمند همه‌فن‌حریفی که بین سال‌های ۸۸۷ تا ۸۶۸ زندگی می‌کرده است. مستوفی که بنابه همین عنوان، معلوم می‌شود از دودمان «مستوفیان» (گروهی مثل همین حسابدارهای امروزی) بوده است، خودش علاوه‌بر اشتغال به کارهای علمی، به شعر هم می‌پرداخته و بنابه گفته دولتشاه سمرقندی، نویسنده «تذکرۃ‌الشعرا» (۸۹۲)، دیوانی مشتمل بر انواع شعر داشته است. باتوجه‌به اینکه شاعر ما، به‌اصطلاح امروزی‌ها، «کتاب‌باز» قهاری هم بوده است که هزار مجلد کتاب جمع کرده بوده، عجیب است که امروز از دیوان خود او که «اوحد» را به‌عنوان تخلص (نام شعری) برگزیده بود، ظاهراً فقط هفتاد‌هشتاد بیت باقی است.
باین همه، از همین مقدار هم می‌توانیم بفهمیم که شاعر ما از گوینده‌های ممتاز زمانه در سبک عراقی (منسوب به «عراق عجم»، عنوان کلی نواحی یک چهارم شمال غربی ایران، مطابق مرزهای فعلی) بوده است. (برای تقریب به ذهن، بد نیست بدانید که این سبک شعری همانی است که مولوی و سعدی و حافظ نماینده‌های برجسته آن‌اند.) بگذریم. ۶۵ بیت از آن ابیات از سروده‌ای در قالب قصیده (نوعی شعر بلند در وصف و مدح) است در منقبت امام رضا<sup>ع</sup>، و این شعر همان شعری است که چهل بیتش را بر آن درها می‌بنید. این چکامه سند دیگری از جایگاه رفیع سبزوار و اهل سبزوار در پاسداشت و گسترش مذهب تشیع دوازده امامی در سده های متمادی است.

برگردیم به اصل شعر. صورت احتمالاً کامل این قصیده در همان کتاب دولتشاه که ظاهراً خودش دیوان شاعر را دیده، آمده است. (بعدها، مثلاً، قاضی نوراً... شوشتری [ف. ۱۰۱۹] در «مجالس المؤمنین» و احمد احمدی بیرجندی در «مدایح رضوی<sup>ع</sup>» در شعر فارسی» [۱۳۶۵] هم بخش‌هایی از این شعر را آورده‌اند.) دولتشاه اوحد را «حکیمی صاحب فضل» نامیده که «به جامعیت او در روزگار او نبود» و «در جهان فانی به غیر از صید نکته‌دانی کاری نداشت و به‌جز ذکر خیر و کتابی چند یادگاری نگذاشت» و افزوده است که «خواجه عمر مجرد گذرانید.» او به‌جز آن قصیده، یک قطعه (نوعی شعر در اجتماعیات و اخلاقیات) طنازانه بامزه هم از اوحد نقل کرده است که شاعر آن را در پاسخ به کسانی سروده است که به او سفارش می‌کرده‌اند ازدواج کند. این دو بیت از همان قطعه است: «وصل زن هرچند باشد پیش مرد کامجوی/ روح و راحت را فکیل و عیش و عشرت را ضمان // لیک با او شمع صحبت در نمی‌گیرد از آنک/ من سخن از آسمان می‌گویم او از ریسمان». اما چکامه مذکور که البته بسیار جدی است، باز به‌قول مؤلف «تذکرۃ‌الشعرا»، جزء «چرخیات» است. منظور دولتشاه این است که قصیده اوحد، مثل بسیاری دیگر از قصاید مشهور، با وصف عناصر چرخ‌ی (آسمانی) و تصویرسازی از طریق آن‌ها آغاز می‌شود. بالاخره، می‌توانیم برویم سراغ متن شعر، اما در یادداشت بعدی.

منبع: «تذکرۃ‌الشعرا» (۱۳۲۲). به‌اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: انتشارات اساطیر. صص ۴۴۳-۴۵۰.

|                                                                                  |
|----------------------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>              |
| <p><b>زین قیدار</b></p>                                                          |
| <div>علیرضا حیدری مدرس ویراستاری</div>                                           |
|                                                                                  |
| <div><div><span>✉</span><span> </span><span>چند جایگزین فارسی</span></div></div> |
| <b>گیشه</b> ..... <b>باچه</b>                                                    |
| <b>لایتناهی</b> ..... <b>بی‌پایان</b>                                            |
| <b>لجاجت</b> ..... <b>پافشاری</b>                                                |
| <b>کسوت</b> ..... <b>پوشش</b>                                                    |
| <b>کتمان</b> ..... <b>پنهان کاری</b>                                             |
| <b>کی‌برد</b> ..... <b>صفحه کلید</b>                                             |
| <b>لایموت</b> ..... <b>نامیرا</b>                                                |
| <b>لاقل</b> ..... <b>دست‌کم</b>                                                  |
| <div><span>#</span><i>زین-قندپارسی</i></div>                                     |

## صاحب داستان های طناز ترسناک

امروز تولد نویسنده بزرگ

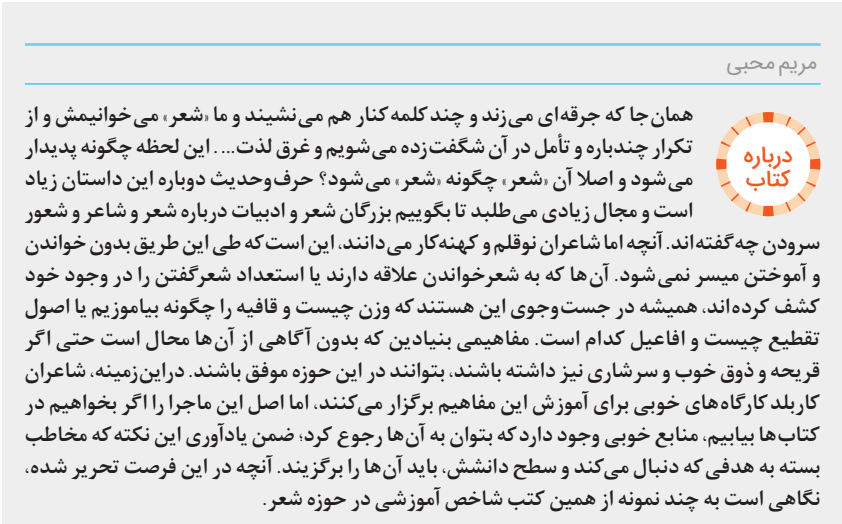
روس، آنتوان چخوف است



آنتوان چخوف از نویسندگان پرآوازه تاریخ است. این نویسنده بزرگ روس را استاد مسلم داستان کوتاه و از نمایشنامه‌نویسان برجسته مدرن می‌دانند. آثار آنتون چخوف به بیش از صد زبان ترجمه شده‌اند و ده‌ها فیلم، سریال، تله‌فیلم و هزاران نمایش در سالن‌های تئاتر سراسر جهان از آثار او اقتباس شده‌اند. امروز تولد این نویسنده بزرگ روس است. او نویسنده‌ای واقع گرا بود و این ویژگی در همه بخش‌ها و جزئیات نوشته های او مانند «انتخاب

# روز نه‌ای به شعر

نگاهی کوتاه به چند مجموعه شعر آموزشی در حوزه شعر



همان‌جا که جرقه‌ای می‌زند و چند کلمه کنار هم می‌نشینند و ما «شعر» می‌خوانیمش و از تکرار چندباره و تأمل در آن شگفت‌زده می‌شویم و غرق لذت... این لحظه چگونه پدیدار می‌شود و اصلاً آن «شعر، چگونه شعر» می‌شود؟ حرف و حدیث دوباره این داستان زیاد است و مجال زیادی می‌طلبد تا بگویم بزرگان شعر و ادبیات درباره شعر و شاعر و شعور سرودن چه گفته‌اند. آنچه اما شاعران توفلم و کهنه‌کار می‌دانند. این است که طی این طریق بدون خواندن و آموختن میسر نمی‌شود. آن‌ها که به شعر خواندن علاقه دارند یا استعداد شعر گفتن را در وجود خود کشف کرده‌اند، همیشه در جست‌وجوی این هستند که وزن چیست و قافیه را چگونه بیاموزیم یا اصول تقطیع چیست و افاعیل کدام است. مفاهیمی بنیادین که بدون آگاهی از آن‌ها محال است حتی اگر قریحه و ذوق خوب و سرشاری نیز داشته باشند، بتوانند در این حوزه موفق باشند. در این زمینه، شاعران کار بلد کارگاه‌های خوبی برای آموزش این مفاهیم برگزار می‌کنند، اما اصل این ماجرا را اگر بخوایم در کتاب‌ها بیاییم، منابع خوبی وجود دارد که بتوان به آن‌ها رجوع کرد، ضمن یادآوری این نکته که مخاطب بسته به هدفی که دنبال می‌کند و سطح دانشش، باید آن‌ها را برگزیند. آنچه در این فرصت تحریر شده، نگاهی است به چند نمونه از همین کتب شاخص آموزشی در حوزه شعر.

- روزنه /محمدکاظم کاظمی

یکی از شناخته‌شده‌ترین کتاب‌ها در حوزه آموزش شعر، «روزنه» محمد کاظم کاظمی است. کتابی که محال است نام آن به گوش علاقه‌مندان به دنیای شعر نرسیده باشد. این کتاب، هم برای مخاطبانی مناسب است که تازه در این وادی قدم گذاشته‌اند و هم برای آن دسته که دنبال اطلاعاتی درباره عناصر شعر و سبک‌های آن هستند. روزنه به‌همت نشر سپیده باوران به چاپ رسیده است و سرفصل‌های متعددی از جمله شعر چیست، خیال و صورت‌های آن، زبان شعر، موسیقی در شعر، قالب‌های شعر، عناصر معنوی شعر، ساختمان شعر، سبک‌ها و مکتب‌ها را شامل می‌شود که در هر بخش برای خواننده با مثال‌های فراوان، شرح قواعد و مسائل فنی شعر همراه با تحلیل‌های زیبایی‌شناسانه همراه است. کتابی که به قول نویسنده‌اش، حاصل احساس نیاز بوده است به یک متن آموزش شعر مختصر ولی جامع. تاهم شاعران جوان را به کار آید و هم دیگر کسانی را که در پی شناختی اجمالی از شعر و عناصر آن هستند.

این کتاب نزدیک به سی سال پیش با ابتکار و حمایت‌کانون شاعران و نویسندگان امور تربیتی آموزش و پرورش خراسان در قالب یک جزوه دوازده صفحه‌ای آغاز شد، ولی کار به زودی به تألیف و چاپ مجلدات دوگانه روزنه در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲ کشید. البته این کتاب جلد سوم

هم داشت که در آن شعرهایی از شاعران امروز به صورت کارگاهی نقد شده بود و در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید و هنوز بعد از گذشت سال‌های می‌تواند یک کتاب آموزشی و راهنمای خوب برای دوستداران شعر و ادبیات باشد.

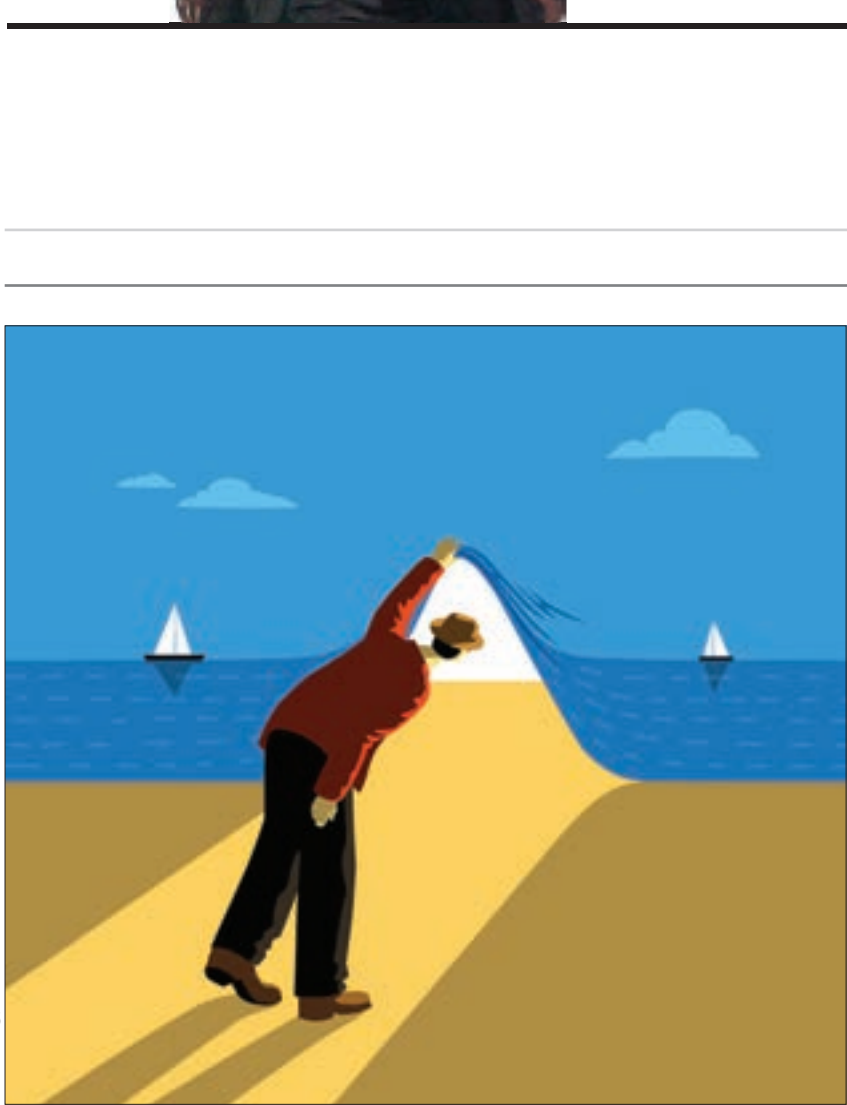
- از مقدمه‌ها/حسین جنتی

«از مقدمه‌ها» یکی دیگر از کتاب‌هایی است که در حوزه آموزش شعر چاپ شده است. کتابی که البته قرار است روی مقدمات شعر و مسائلی ابتدایی تر تمرکز کند و توسط انتشارات فصل پنجم به چاپ رسیده است. جهان‌بینی و اندیشه، سلیقه و پسند،

موضوع»، «شخصیت‌پردازی»، «گفت‌وگوهای شکل گرفته میان شخصیت‌ها و در موقعیت‌های مختلف»، «پردازش و تصویر مکان‌ها» و... به چشم می‌آید. آنچه او در آثار مختلفش تصویر می‌کرد، همگی برآمده از زندگی واقعی مردم، آنچه پیرامون خود می‌دید و وقایع مختلف بودند. او تصویرگری ماهر بود و مشکلات و دغدغه‌های مردم و اجتماع را در قالب روایت‌هایش بازگو می‌کرد و در این بیان گاه زبان طنز نیز داشت. طنزی که از قضا براساس همین نقش‌هایی که آفریده است و جهان‌بینی آن‌ها، معنا و مفهوم

پیدای کند و همین امر این طنز را بخشی از واقعیت کرده است. اینکه موقعیتی در عین اینکه خنده بر لبان می‌نشانند، حسی شبیه دل‌سوزی یا ترحم را نیز برانگیزاند، فقط در زندگی واقعی رخ می‌دهد و این همان چیزی است که آنتوان چخوف با استادی تمام در آثارش گنجانده

است. مهارتی که آنتوان چخوف در پردازش صحنه و قهرمانان و در نهایت ساخت یک تصویر باورپذیر نهایی داشت، خواننده را وادار به ماندن در داستان و همراه شدن با آن می‌کرد و اینجای بود که چخوف زمینه مناسبی برای بیان نظرها و نقادی‌هایش در اختیار داشت.



و شاعری هستند، «صور خیال در شعر فارسی» پژوهشی است انتقادی در تطور ایمازهای سیر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران. به عبارت دیگر و به بیان خود نگارنده، در این کتاب کوشش بر آن بوده است که شعر فارسی را فقط از جنبه خاص بیان هنری، بیرون از بحث کلمات و مضامین که بحثی است عرضی و ثانوی، باتوجه به موازین نقد ادبی جدید و همچنین توجه به اصول عقاید علمای نقد و بلاغت اسلامی، مطالعه‌کند.

- قافیه بیاموزیم و وزن شعر بیاموزیم/اسماعیل امینی

وزن و قافیه دو اصل ابتدایی در دنیای شعر و شاعری هستند، باین‌حال، دواصل پرچالش نیز به شمار می‌آیند و برخی قواعد ریز آن توجه و تمرین بیشتری می‌طلبد. انتشارات ایهام «قافیه بیاموزیم» و «وزن شعر بیاموزیم» را از اسماعیل امینی منتشر کرده است، دو کتابی که مباحث و تمرین‌های ساده‌ای در این حوزه دارند و مهارت مخاطب را افزایش می‌دهند. این دو کتاب نه می‌خواهند مباحث تخصصی و اصطلاحات قدیم و جدید قافیه را پشت سرهم ردیف کنند، نه می‌خواهند علم عروض بیاموزند، نه قصد طرح مباحث تقطیع شعر و ظرافت و پیچیدگی بحرهای عروضی را دارند و نه حتی به مباحثی مانند اختیارات شاعری‌کاری دارند.

در این کتاب‌ها قرار است قافیه را بیاموزیم. این مباحث و تمرین‌های ساده به این امید نوشته شده است که دوستداران شعر و کسانی که شعر و ترانه می‌نویسند، در شناخت و ساخت قافیه آن‌قدر مهارت بیابند که هم قافیه‌های آثارشان را به سادگی بسازند و هم خطاهای رایج در ساخت قافیه در شعرها و ترانه‌ها کمتر بشود و از همه مهم‌تر، اهل ذوق و خلاقیت را در درسر یادگرفتن آن‌همه اصطلاحات و قیمت‌۳۸ هزار تومان به‌وسیله انتشارات راه‌یار نجات‌دهد.

و هم از «سایه زندگی» که سبک است. این کتاب به مبانی جمال‌شناسی شعر فارسی در حوزه ساخت و صورت‌ها و حوزه موسیقی شعر نگاهی انتقادی دارد و در پنج باب تنظیم شده است، رابطه شعر و موسیقی به اعتبار جلوه‌های وزن و قافیه و ردیف، برخورد فلاسفه و متفکران ایرانی با نقش موسیقایی شعر، شعر منثور و جلوه‌های موسیقایی، باب چهارم بعضی مبانی نظری این کتاب بر شعر فردوسی و مولوی و حافظ است و بخش آخر آن نیز مطالعاتی است در باب مسائل وزن در شعر فارسی. وقتی این کتاب در سال ۱۳۵۸ منتشر شد، به‌شدت از آن استقبال شد.

با وجود این استقبال زیاد، چاپ مجدد آن موقوف شد به سال ۱۳۶۵ که دکدنی علت آن را در صفحات آغازین کتاب این‌گونه توضیح می‌دهد: «می‌خواستم بعضی یادداشت‌ها و تمایلات دیگری که در پیرامون موسیقی شعر داشتم، ضمیمه آن شود.» کتاب دیگری که مکمل موسیقی شعر است، «صور خیال در شعر فارسی» نام دارد که باز هم برای اهلس اشناست.

هر دو مجموعه به‌همت نشر آگه به چاپ رسیده‌اند و البته برای آن دسته از مخاطبانی مناسب است که در جست‌وجوی مفاهیمی فراتر از مقدمات شعر



کتاب «ماکسیم برپام»، قیام گوهرشاد به‌روایت شاهدان عینی، به‌قلم اکرم یعقوبی از سوی انتشارات راه یار منتشر شد. سیاست کشف حجاب از آن دسته سیاست‌های استبدادی تاریخ معاصر ایران بود که در استعمار ریشه داشت. استعمار از ابتدا در همه شئون زندگی مردم دخالت می‌کرد و پس از ده‌ها سال رویارویی مستقیم با مردم ایران، تصمیم گرفته بود خودش را در سایه قدرت و تبلیغات، الگویی برای توسعه جهان اسلام معرفی کند و بازوی اجرایی رسیدن به چنین الگویی را هم در ایران مستقر کرده بود: رضاخان. همان رضاخانی که پیش از شاهی به دلیل مهارتش در استفاده از سلاح مسلسل ماکسیم به «رضا ماکسیم» شهرت داشت. قدرت رضاشاه و هم‌فکرانش که تثبیت شد، برنامه‌های فرهنگی استعمار علیه هویت دینی و ملی ایران به قانون لازم‌الاجرا تبدیل شد. علما و مردم نیز به‌اشکال مختلف به دنبال مبارزه با سیاست‌های ضددینی بودند. رضاشاه که قبل از پادشاهی فقط سابقه نظامی داشت، در پاسخ به خواست

عمومی جامعه، مردم متحن در مسجد گوهرشاد را با مسلسل به گلوله بست. صدای رگبار مسلسل‌ها و آ...! اکبر مردم در همه محلات مشهد شنیده شد. کافی است پای صحبت کهن سالان مشهدی بنشینید، هنوز هم صدای کامیون‌های حمل پیکر شهدا را می‌شنوید، هنوز هم از بزرگ‌ترهایشان به‌یاد دارند که کشته و مجروح را با هم در گودال خشت‌مال‌ها دفن کردند، هنوز هم روستاییان را می‌بینند که با بیل و کلنگشان راهی مشهد شدند تا در جنگ مسجد یا جنگ جهاد شرکت کنند. آن روز نتوانستند ظلم را از بین ببرند؛ اما به‌تعبیر شهید نواب صفوی: «در باطن صبر کرده، در درگاه خدا نیمه شب‌ها گریستند و آرزوی انتقام کر دند و به انتظار آن روز نشستند.» این چنین شد که کشتار مظلومانه مردم در مسجد گوهرشاد و تبعید و زندان علما در شهرهای مختلف پایان کار نبود، بلکه آغازی برای مبارزه منفی با سیاست کشف حجاب بود. آن سال‌ها عموم خانم‌ها یا خانه‌نشین شدند یا به‌ناچار همراه با کسی از خانه بیرون می‌آمدند؛

اما همه هوای همدیگر را داشتند که می‌ادا چادری روی زمین جا بماند. اکنون بیش از هشت دهه از آن سال‌های تلخ گذشته است. متأسفانه بیشتر روایت‌های تاریخی چنین اتفاق بزرگی به کلی نابود شده است. ده‌ها هزار شاهد عینی که حامل هزاران روایت واقعی از آن سال‌ها بودند، از این دنیا رفته‌اند، بدون آنکه نامی یا نشانی از سرگذشت آنان ثبت و ضبط شده باشد؛ اما گستردگی و شدت واقعه آن قدر زیاد بوده است که هنوز هم می‌توان روایت‌هایی تازه از آن روز‌ها شنید. «ماکسیم برپام» به‌عنوان اولین عنوان ناشر درباره قیام گوهرشاد، مجموعه‌ای از خاطرات و روایت‌های بازماندگان قتل عام مردم متحن در حرم رضوی به‌دست رضاخان است. «ماکسیم برپام» که تحقیق آن برعهده مهدی عشقی‌رضوانی، قربان ترخان، اسماعیل شرقی و رضا پاکسیما بوده و نگارش را اکرم یعقوبی انجام داده است، در ۱۲۸ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۳۸ هزار تومان به‌وسیله انتشارات راه‌یار منتشر شده است.